

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

طیاریزدان پناه لموکی
۰۸ می ۲۰۲۱



طیاریزدان پناه لموکی

چین ، ایالات متحده امریکا ، خاورمیانه (گنج پنهان)



انگشت تدبیر یا رویارونی نظامی. ۱

به نظر می رسد ، حد اقل در دوران چهارساله ریاست جمهوری بایدن ، طبق شواهد و مستندات موجود ، تغییری اساسی در جا به جایی نظام های سیاسی خاورمیانه از جانب امپراتوری غرب به سرکردگی ایالات متحده امریکا صورت نخواهد گرفت . ۲ ظاهراً نه این که چنین جا به جایی در پیش رو به دیده نمی آید ، بلکه همه نشانه ها حکایت از این دارد که امپراتور ، در حال انعطاف در مناسبات ، و فرصت دادن تازه ، به اسلام غلات در خاورمیانه است . بنا بر این ، بیان این دیدگاه تحلیلی که کنار آمدن امریکا با طالبان پس از بیست سال جنگ ، یعنی " اعلام شکست امریکا از طولانی ترین جنگ خارجی تاریخ این کشور " و دیگر " محدودیت های فراوان قدرت امریکائی در قرن بیست یکم " ۳. ممکن است درست به نظر آید به ویژه شق دوم آن (محدودیت های قدرت امریکائی ...). منتها نباید فراموش کرد که

امپراتور، برای پایان دادن به حکومت [ضد] مردمی دکتر نجیب الله در افغانستان با بهره گیری از حاکمان ارتجاعی منطقه و همین گروه طالبان، در به خاک و خون کشیدن آن نظام، زمان طولانی را پشت سر گذاشت. ۴. با این تقریر که طالبان یک سازمان دست ساخته خود ایشان است. در این مورد به موضع گیری برژینسکی اشاره می شود که در پاسخ به این پرسش: "که آیا از این که امریکا بنیاد گریان اسلامی را تغذیه کرد و توسعه داد متأسف نیست؟" [برژینسکی] در کمال خونسردی پاسخ داد: **کدامیک در تاریخ جهان مهم است؟ وجود طالبان یا نابودی امپراتوری شوروی؟ تعداد انگشت شماری مسلمان هیجان زده؟ یا آزادی اروپای مرکزی و ختم جنگ سرد.** ۵

دیگر آن که کارت های بازی امپراتور به سرکردگی امریکا که به طور زایشی جنگ آفرین است، تنها رو "آس" و "شاه" نمی گردد. تجربه نشان داد که او با کارت های نازلی مانند داعش (۲ تا ۱۰ هزار نفر) موصل دومیونی در عراق را فرو پاشاند و آن همه جنایت آفرید. ۶. پس، نقش دادن افراطی به برخی حکومت ها، سازمان ها و گروه در یک عملیات پنهان، با رویکرد سیاسی - نظامی تهاجمی، بیش تر جهت نا امن جلوه دادن خاورمیانه به ذهن متبادر می شود تا شکست از یک "مترسک سر خرمن". در واقع رُل تازه بیش از هر چیز جهت عدم تضمین امنیت نسبت به هرگونه سرمایه گذاری در زیر ساخت های اقتصادی - فرهنگی... بدون حضور امریکا و متحدانش در منطقه می توان تلقی کرد، نکته دیگر آن که غول های مالی - نظامی... دینفع درحمله نظامی بیست سال پیش افغانستان" (رهبران تروریسم دولتی)، سود سرشار بیست ساله بردند، به همان اندازه که برای مردم امریکا و مردم کشورهای منطقه...، زیان بیست ساله مالی چه در زندگی عادی روزانه (افزایش مالیات ها، بالا رفتن قیمت کالاها و ارزاق...) و چه سرقت منابع ملی شان و سهم بری از فروش نفت و گاز منطقه، به بهانه هزینه کنترل تنش های دست سازاز جانب امپراتور در بر داشته است، این همه جدا از تحمل **جنگ روانی** چند دهه اخیر در منطقه است که به دوش کشیده اند. به نظر می رسد هدف از متحد ساختن برخی حکومت ها، سازمان ها و گروه های افراطی در دور تازه، دارای دو رویکرد سیاسی - اقتصادی ست. نخست وارد آوردن ضربات مرگبار به جنبش های آگاهانه مردمی منطقه، جهت فرو شکستن نهال نحیف اتحاد نیروهای ملی - دموکراتیک و نیز جنبش های پر تنوع مدنی و صلح خواه که پس از دور نخست بهار عربی (۲۰۱۷-۲۰۱۰) به نسبت متشکل، منسجم و علی رغم کاستی های فراوان به طور قابل توجهی به هم نزدیک تر و قابل درک تر شده اند، و دیگر، ایجاد دشواری های عظیم فرسایشی برای چین و روسیه در منطقه به دیده می آید. چنان که پایدن موضع ضد امریکائی این دو کشور... را در کنفرانس امنیتی مونیخ چنین بیان داشت که سیاست اقتصادی و تجاری چین نا عادلانه و سیاست های روسیه بد خواهانه [است] و گفت که از نظر او، "این سیاست ها هدف تضعیف دموکراسی و برهم زدن امنیت امریکا و اروپا را دنبال می کند". ۷ روشن نیست بایدن از کدام دموکراسی سخن می گوید. زمانی که رئیس جمهور چین کشوری، رهبر چماق داران "در حمله به ساختمان کنگره امریکا می شود و با بسیج کردن دارو دسته نئو نازی ها و کوکلا کلان ها و دیگر شبه نظامی ها" جلو دید جهانیان و سازمان های امنیتی، ارتش و پولیس واشنگتن برای "آزاد سازی کنگره های ایالتی با دروغ پردازی های رایج که پیروزی ما را در انتخابات دزدیده اند" دست به یک اقدام فاشیستی پر جانیه می زند. ۸ نیکلای پاتروشف دبیر شورای امنیت روسیه در پاسخ به نگاه بایدن به این که "این سیاست ها، هدف تضعیف دموکراسی و برهم زدن امنیت امریکا و اروپا را دنبال می کند" گفت: "واقعیت این است که خود نخبگان امریکائی، از جمله با استفاده از جنبش های خیابانی در جهت منافع شخصی و حزبی خود، به حاکمیت ایالات متحده آسیب رسانده و آن را تضعیف کرده اند و این مسأله هیچ ارتباطی به روسیه ندارد و اتهامات وارده به مسکو در خصوص عامل تضعیف دموکراسی امریکائی، کاملاً بی پایه و اساس است. ۹ ظاهراً درگیری منافع در میان دوجریان حاکم بر امریکا به گونه

ای تظاهر یافت که آنان برای توجیه جهت حفظ حاکمیت ، در پی مقصر خارجی می گردند تا بتوانند اتحاد نسبی خود را به نومنتظاها رانه پوشش دهند . بنابراین ، نظامی که به مردم خویش احترام نمی گذارد چگونه می تواند حافظ حقوق بشرو دموکراسی در خاورمیانه و جهان باشد ؟ نباید این نکته را فروگذار کرد که نمونه های قدرت های نظامی و شبه نظامی دست ساخته امپراتور در منطقه چه به صورت نظام های حکومتی و چه نیروهای افراطی تروریستی برای حفظ منافع غرب به سرکردگی امریکا ، دهها سال ست که در خاورمیانه با نام اسلام غلات به طور مضاعف در حال سرکوب خونین مردم اند . در این کارزار ، امریکا و متحدینش برای حفظ پرنسب بین المللی شان با به کار گیری سیاست های فربنده عامه پسند دفاع از " دموکراسی و حقوق بشری " یعنی سیاست " گاه به نعل گاه به میخ " ، خود را جانبدار مردم منطقه جلوه می دهند روشن است اتخاذ بر گزیدن چنین رویکردی باسیاست داخلی شان هم خوانی ندارد زیرا حد اقل امریکا در به کار گیری سیاست نژاد پرستانه علیه سیاهان این کشور رسوا ی عالم است ، چنان که : " طبق اطلاعات پایگاه داده های واشنگتن پست در رابطه با تیر اندازی های پولیس ، از سال ۲۰۱۵ حدود ۲۴ در صد از بیش از ۶ هزار مورد تیراندازی مرگبار پولیس در این کشور به این قشر [سیاه پوستان] مربوط بوده است . حال آن که امریکائی های افریقائی تبار تنها ۱۴ در صد جمعیت امریکا را تشکیل می دهند . ۱۰ . ظاهرا ابر سیاهی با غرشی سهمناک که صدای رعد و برق غرنده رعب انگیزش همراه با تند بادهای بنیان کن و شتابنده ، در حال خیز برداشتن و توفیدن است ، واین طور به نگاه می آید که اگر امپراتور در مورد امریکای لاتین و افریقا اهمال هائی را به ویژه در دوره ترمپ صورت داده تا آن جا که آنان (روسیه و چین) توانستند تا حد دو سوم بازار این دو منطقه را در اختیار بگیرند ، چنین چشم اندازی در مورد خاورمیانه ثروتمند به نگاه نمی نشیند زیرا بایدن رئیس جمهور ایالات متحده در کنفرانس مونیک همان طور که اشاره شد : " سیاست اقتصادی و تجاری چین را نا عادلانه و سیاست های روسیه را بدخواهانه خواند " و با تمسک به این دستاویز که " امریکا می خواهد همراه متحدین اروپائی خود و دیگر قدرت های مهم جهان فعالیت های بی ثبات کننده ایران در سراسر خاورمیانه را مهار کند و به آن پایان دهد " ۱۱



نکته دیگر آن که در چنین شرایطی آن چه مربوط به کلیه اپوزیسیون وابسته به غرب (سیا ، اینتلجن سرویس و دیگر آژانس های امنیتی وابسته به غرب) می شود آن است که کما فی السابق باید مشق سیاسی - نظامی خود را ادامه دهند تا دستور سوار بر موج جنبش های مردمی را دریافت دارند . در برابر : نیرو های مستقل ملی - دموکراتیک همراه با توده مردم معترض منطقه هستند ، که نسبت به دورنخست جنبش عظیم بهار عربی (۲۰۱۰ - ۲۰۱۷) بسیار منسجم تر ،

پخته تر و در دور فرضی دوم بهار عربی ، جهت دستیابی به دموکراسی ، و عدالت اجتماعی ، به هم نزدیک تر شده اند . پوشیده نیست توده مردم معترض منطقه به طور عمده کارگران ، دهقانان ، مردمان خرده پا شهری و یا به طور اعم کلمه زحمتکشانشان بیدی و فکری ، جوانان بیکار و زنان هستند که با داشتن دو خواسته روشن : نخست مطالبات معیشتی روزانه و دیگری خواهان تغییر ترکیب اجتماعی غالب کشورهای خاورمیانه اند که برای تحقق چنین آماجی دهه هاست در میدان اند به ویژه در یک دهه اخیر که زمین در مقابل شدت اعتراض های کوبنده آنان به لرزه در آمده است .

بنا به این چشم انداز ، لازم است به موضوع مهمی به عنوان یک معضل جدی در شکل گیری اتحاد نیروهای ملی – دکرآتیک اشاره شود که با توجه به پیشرفت جنبش ها و لرزان شدن موقعیت سیاسی – اقتصادی غالب نظام های تبهکار حاکم در منطقه که شدیداً در گیر بحران های وسیع داخلی و بین المللی هستند و شرایط عینی برای ایجاد یک تحول بنیادی در منطقه فراهم است ، اما شرایط ذهنی لازم ، یعنی وجود نیروهای اجتماعی سازمان یافته با رهبری متنفذ و صاحب هیمنه اجتماعی و با مرکزیتی معتبر تاثیر گذار به صورت جبهه ای متشکل و متحد با دارا بودن برنامه ای مشخص سیاسی – اقتصادی برای جایگزینی نظامی با رویکرد مردمی ، متأسفانه فراهم نیست با این آگاهی که غالب فعالان ، رهبران ، سازمان ها ، گروه ها و احزاب ملی – دموکراتیک به این امر (داشتن جبهه مشترک داد خواهانه) تقریر دارند . با این همه در انجام این نگاه منطقی ، کمیت شان لنگ است . به نظر می رسد برای درک بیش تر ضرورت اتحاد نیروها لازم است به طور مستند به واقعه ای پرداخت تا به عنوان داشتن تجربه ای تلخ تا حد امکان از اصرار در جداسرپه های رایج اجتناب شود . زیرا لازمه بودن در میدان با توجه به کمیت نیروها مگر با داشتن اتحادی مشترک ممکن نیست ، غیر از این ، بنا به نمونه های فراوان رویدادهای تاریخی چند دهه اخیر در منطقه ، با نهایت پوزش ، تنها به گورستانی مشترک ، از جانب امپراتور و ارتجاع دست خواهند یافت

بنا به شرح فوق کلیه نیروهای ملی – دموکراتیک به معنای اعم کلمه ، یعنی تمامی آنانی که خواستار دموکراسی و عدالت اجتماعی اند ، بنا به مستندات متقن ، شدیداً تحت کنترل غالب حکومت های ارتجاعی منطقه و آژانس های امنیتی غرب (که مستقیم از طریق سازمان های سیاسی – امنیتی ، گروه های تروریستی ، چه در منطقه و سیار در اروپا و امریکا ...) قرار داشته و دارند . که به طور مستند می توان به یک واقعه مهم تاریخی ، قبل از فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان نمونه ، که اخیراً اسناد آن از جانب سایت بی بی سی انتشار یافت ، اشاره کرد ۱۲، که در آن آمده است " بنا به گزارشی که به تازگی منتشر شده ، سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا ام آی ۶ با همکاری سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) ، لیستی از افرادی که ادعا شده مامور اتحاد شوروی هستند ، فراهم نموده اند ... از این اطلاعات برای دستگیری و بعدتر برای اعدام ... استفاده کرده اند . هم چنین پرونده اطلاعاتی بریتانیایی نشان می دهند که حد اقل یکی از مقامات وزارت خارجه بریتانیا ، از منافع بهره برداری از اعترافات ... دریافت شده بود به نفع بریتانیا و کشور های غربی سخن گفته است " نکته قابل توجه آن که تمامی احزاب تحول طلب و نیروهای داد خواه ، که خواهان دموکراسی و عدالت اجتماعی اند ، در کشورهای در حال رشد ، به ویژه در خاورمیانه ، بنا به ذهنیت حاکم شده بر باورمندان غلات به ویژه وابسته به امپراتور: " جاسوس " ، " نفوذی شوروی " ، " کافر " و " مشرک " معرفی شده اند و طی یک سده اخیر نسبت به حضور آنان در افکار عمومی دهشت افکنی گسترده ای صورت گرفته که در کل ، " دشمن " قلمداد گردیده و حق حیاتی برایشان قائل نیستند (مهدور الدم) در صورتی که همین احزاب ، سازمان ها و گروه های تحول طلب در کشور های غربی چنین عنوانی ندارند . نه این که دشمن به حساب نمی آیند بلکه به عنوان یک رقیب سیاسی در چارچوب قانون بورژوازی فعالند .

گفتنی ست ، در ادامه آن گزارش نویسنده بی بی سی می آورد " در ۱۹ نوامبر ۱۹۸۶ واشنگتن پست نوشت ... به نظر می رسد تائید رسمی برای همکاری با سیا جهت انتقال اطلاعات ... به [آنان] توسط نخست وزیر وقت بریتانیا مارگارت تاچر ، وزیر امور خارجه ، فرانسیس پیم و کالین فیگرز رئیس ام آی ۱۶ گرفته شده باشد . " در ادامه گزارش آمده است : " به نظر می رسد یکی از اهداف سازمان جاسوسی غربی در حمایت از سرکوب ... نه فقط در رابطه [با این کشور] که به نوعی تحت تاثیر قرار دادن سایر احزاب تحول طلب دیگر کشور های خاورمیانه بوده است ... همکاری سرویس های اطلاعاتی غرب ... سبب گستردگی این سرکوب و دادن بهانه های لازم ... برای هرچه سریع تر و خشونت بارتر کردن آن بوده است . " گزارش هدف از این کار را داشتن منافع اقتصادی غرب دانسته و با آوردن این جمله از نیکولاس بارینگتون رئیس بخش حفاظت منافع بریتانیا ... می آورد که : " باید در آمد کسب می کردیم " وی نه این که از اقدامات سرکوب ... نگران نبود ، بلکه بنا به گزارش مذکور " به آن ، به چشم یک فرصت نگاه می کرد " و از قول بارینگتون می آورد که : " روسای همسایگان اروپایی احساس می کنند که اکنون برای اروپای غربی و کشورهای هم فکر آنان زمان آن است که خطوط ارتباطی خود را با این [کشورها] باز نگه دارند "

با توجه به داشتن چنین رویکرد فکری حاکم ، و تقریر به آن از جانب کلیه نیروهای ترقی خواه و تحول طلب ، همان طور که اشاره شد شرایط ذهنی اتحاد نیروها فراهم نیست . البته باید این مهم را در نظر داشت که ناگزیری اتحادی که در پی خیزش های مردمی فراهم می آید و یا به زبانی به آنان تحمیل می گردد ، نباید آن را وحدتی آگانه به حساب آورد تا بر اساس آن تمهیدات لازم را برای تدوین یک برنامه کلی کلان فراهم آورد ، اگر چه خود یک فرصت ارزنده ای ست . جنبش های فراوانی را می شود به عنوان نمونه ذکر کرد که در دور نخست مبارزه ضد دیکتاتوری همه گرد هم آمده بودند و پس از پیروزی هر یک به بهانه جدا سری های معمول مانند گنجشک پر کشیدند و قدرت حاکم ، پس از پا قرص خود یعنی تثبیت و تحکیم پایه های قدرت خویش ، با حمایت عریان امپراتور ، در تهاجمی خونین نه این که آنان را تاراند ، بلکه اکثر شان را به سینه دیوار دوخت بعد همه را با نامی مشترک در یک گورستان خاص به خاک سپرد ، آیا این همه درس ، آموختنی نیست ؟!!! دانسته است . سهم امپراتور و ارتجاع منطقه از طریق ابر رسانه ها در ایجاد این جدا سری ها ، دامن زدن به اختلاف ها ، ایجاد انشعاب ها ، به خاطر وجود تزلزل ، قدرت طلبی های کور و شناور بودن اذهان برخی نیروها ترقی خواه ، بسیار قابل توجه ست به ویژه پاشیدن بذر نحس عدم اعتماد که کار سیاسی هر روزه غول رسانه ای امپراتور و جانبداران آنان است .

با توجه به دشواری های فراوان موجود ، این نکته را باید ملکه ذهن کرد که حریف قدر است و هزاران سال طبقه ممتاز منطقه با تجربه کلان سرکوب و کشتار دست جمعی زحمتکشان ، مسلط به اوضاع ست . هر چند جنبش های داد خواهانه هم طفل دیروزی نیستند ، تجارب گرانی طی هزاره ها در انبان دارند . با همه این چگونگی ، طبقه ممتاز منطقه در بیش از یک سده اخیر با پشتیبانی عریان امپراتور ، مدام در تجهیز خویش می کوشد بنا به امکانات گسترده و خوی درنده ای که دارد اوضاع را با نهایت بیداری و آگاهی در اختیار دارد . به نظر می رسد با واقعیت آن طوری که هست باید روبرو شد نه با خیال بافی های غیر علمی و ارزیابی های احساسی به تفسیر آن پرداخت به این که : امپراتور در حال احتضار (جان کندن) است . ممکن است چنین به دیده آید ولی باید به این نکته توجه کرد احتضار امپراتور زمانی ست که زیر پای تو باشد نه تو زیر پای او ، که در نهایت جز گوری جمعی طی دهه ها مبارزه سنگین و جانفرسا ، نصیبی به دست نیاید که البته انتظار آن است این تغافل آشکار با ایجاد جبهه ئی مشترک ، از اذهان زدوده شود

با توجه به شرح کوتاه ی آمده از عرصه های سیاسی - اجتماعی منطقه به طور مستند به تاثیر و عملکرد دو قدرت بزرگ بین المللی در جهان و خاور میانه با دو رویکرد اقتصادی - اجتماعی به صورت گذرا اشاره می شود ، نخست

چین ، با سه کارنامه درخشان ، که با داشتن نظامی عادلانه به طور غالب بر فقر و بیکاری در کشوری پهناور با جمعیتی یک میلیارد و چهار صد میلیونی فایق آمد ، و بعد در طی دو دهه اخیر خود را در سطح جهان گسترده . " سرمایه گذاری های چین در پروژه توسعه بخش نقش اساسی در بهبود زندگی زحمکشان جهان ایفا کرد و با طرح راه ابریشم جدید " یک کمر بند و یک راه " در واقع طرح ایجاد دوراه بزرگ تجاری آبی و خاکی برای توسعه اقتصادی شرایطی را فراهم آورد تا کشور های مستعمره یا وابسته ، بتوانند از وابستگی رها ئی یابند " باتوجه به سیاست عدم دخالت در امور داخلی کشور ها توانست از میان ۶۰ کشور جهان در قاره آسیا ، اروپا و افریقا گذر کند که تا اوائل سال ۲۰۲۱ ، ۱۴۰ کشور در سراسر این مناطق برای پیوستن به پروژه راه ابریشم جدید (راج) ثبت نام کنند چین با داشتن مناسباتی قابل وثوق ، ابتکار استراتژی برای توسعه جهانی زیر ساخت را که از سال ۲۰۱۳ آغاز شد عملی کرد و به مرتبه بلندی دست یافت . در باره دستاورد های جهانی اش به ویژه در افریقا و امریکای لاتین که طی دو گفتار از سوی کارلوس مارتینز منتشر شد (نشریه مورنینگ استار ... فروردین فرودین ۱۴۰۰ و دیگری پیش از آن در مرداد ۹۹) ، مورد توجه نامدارانی مانند فیدل کاسترو در امریکای لاتین و نلسون ماندلا در افریقا قرار گرفت و عملکردش در داشتن چنین مناسباتی انساندوستانه را ستودند . گفتنی ست چین با احداث هزاران کیلومتر راه آهن ، ایجاد دهها مزرعه بزرگ دولتی ، داشتن مناسبات تجاری عادلانه صدها میلیارد دلاری ، دادن وام های ها کلان کم بهره ، به طور عمده جهت تولید برق و انتقال و گاه بخشودن وام ها به کشورهای که توان پرداخت را ندارند و همچنین به روز کردن زیر ساخت های حمل و نقل ، ایجاد شبکه های خط آهن ، جاده ها ، بنادر ، کارخانه ها ، ترمینال های مهم مرتبط با بزرگ راهها ، شهرک ها ، در کشورهای افریقائی از تانزانیا ، زیمبابوه ، مالی ، گنگو برازاویل و گینه ... و نیز در امریکا لاتین طی دو دهه گذشته با افزایش ده برابری تجارت و سرمایه گذاری در ۹ کشور که با چین مشارکت استراتژیک دارند ، همراه با نوزده کشور دیگر ، که به طرح راه ابریشم جدید پیوسته اند . اهدا ۱۵۰ میلیارد وام به این کشور ها که بیش از وام های بانک جهانی و بانک توسعه اینتر امریکاست ، این وام ها با بهره بسیار کم ، از سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۲) در اختیارشان گذاشته شد .

آنچه باید به این سیاهه توسعه بخش در دهه اخیر افزود ، در حوزه های انرژی ، معدن ، صنعت ، فناوری ، ارتباطات ، حمل و نقل ، مسکن ، فرهنگ که به طور نمونه نقشی که در بهبود زندگی زحمکشان ونزوئلا داشته اند ، یاد کرد . هوگو چاوز رئیس جمهور فقید این کشور در تقدیر چنین مناسباتی گفت " اتحاد با چین ، سنگری در برابر امپراتور ، دیواری بزرگ در برابر برتری طلبی های امریکاست . " و می افزاید " چین بزرگ است ولی یک امپراتور نیست ، چین هیچ کشوری را لگد مال نمی کند ، به کشوری حمله نکرده است و به دنبال افکندن بمب بر روی کسی نیست " فیدل کاسترو با نهایت احترام در باره چین اظهار داشت: " چین به طور عینی امیدوار کننده ترین و بهترین نمونه برای همه کشورهای جهان سوم و عنصری مهم از تعادل ، پیشرفت و تامین کننده صلح و ثبات در جهان شده است . " اولی وارگاس ، روز نامه نگار بولیویائی در باره این که آیا چین یک امپراتور است ؟ بر آن است که : " این اتهام کاملاً بی پایه است چین در تلاش برای تسلط بر امریکای لاتین و یا به خطر افتادن حاکمیت آن نیست . " نکته ای که نلسون ماندلا نیز نگاه خوش بینانه ای از حضور چین در افریقا داشت

چین با چنین کارنامه ای دور تازه ای از مناسبات را در نخستین دهه های قرن بیست و یکم رقم زده است . علاوه بر حضور مناسبات تجاری چه در امریکا و اروپا ، فضای تازه ای را در منطقه حساسی مانند خاورمیانه می خواهد بگشاید " که حساسیت این حوزه در این است که بیش از ۳ هزار میلیارد دلار در سال تجارت دریائی و ۴۰ در صد تجارت گاز طبیعی مایع شده جهان از این ناحیه عبور می کند تخمین زده می شود ۱۱ میلیارد بشکه نفت و ۱۹۰ تریلیون فوت

مکعب گاز طبیعی در دل آب ها جای گرفته است ... " به نگاه تحلیل گر بی بی سی ، " چین می خواهد از تضعیف موقعیت امریکا بر اثر عدم موفقیت آن کشور در مهار همه جا گیری کرونا ، منزوی شدن امریکا در صحنه بین المللی ، نزاع قدرت در داخل امریکا بهره برداری کند **پمپئو** وزیر خارجه دوران دولت ترامپ علنا از تغییر نظام چین سخن رانده و گفت : **اگر جهان آزاد ، چین کمونیستی را تغییر ندهد ، چین مارا تغییر خواهد داد .** " این نگرش در دوران جو بایدن تغییر چندانی نکرد به نگاه بایدن : چین تنها رقیبی برای امریکاست که به طور بالقوه این قابلیت را دارد که با ترکیب نمودن قدرت اقتصادی ، دیپلماتیک ، نظامی و تکنولوژی خود ، یک چالش مستمر را بر سیستم باز [آزاد] و با ثبات بین المللی اعمال کند " ۱۳ نکته در خور توجه آن که **نگاه قدرت حاکم بر امریکا در باره چین ، همان تحلیل برژینسکی در باره اتحاد جماهیر شوروی ست** که پیش تر از نظر گذشت . در این کارزار حضور دو نظام با دو رویکرد اقتصادی – سیاسی در خاورمیانه ، ناگهان توافق راهبردی ایران و چین پیدائی می یابد " که بزرگ ترین چالش در برابر امریکا در سطح بین المللی توسط چین ، از بعد از جنگ ویتنام در سال ۱۹۷۵ به شمار می رود . چنین چالشی از سوی هیچ کشوری از زمان پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی ، سابقه نداشته است ... در باره سند همکاری ایران و چین که جزئی از طرح راه ابریشم جدید چین به مقیاس ۱۳۰۰ میلیارد دالر سرمایه گذاری ست " در زیر بناهای اقتصادی ۶۰ کشور جهان و توسعه دو مسیر تجاری خاکی و دریائی برای متصل کردن ۶۰ در صد جمعیت جهان [برنامه ریزی شده است] ۱۴

سند ۲۵ ساله ایران و چین " در سه بُعد سیاسی – راهبردی ، اقتصادی و فرهنگی ست . در بعد سیاسی – راهبردی به دنبال تحقق اهدافی هم چون ارتقای سطح همکاری مشترک در موضوع های مورد نظر و در نهادهای منطقه ای و بین المللی ست . در بُعد اقتصادی نیز به دنبال همکاری در حوزه نفت ، صنعت و معدن و حوزه های مرتبط با انرژی هستند ... دو کشور همچنین قرار است همکاری مالی ، بانکی ، گمرکی و زیر ساختی و ارتباطی را با تکیه بر توسعه سرمایه گذاری و تامین مالی پروژه ها گسترش دهند ... ۱۵ بی بی سی به نقل از نیویورک تایمز نوشته : " ۴۰۰ میلیارد دالر سرمایه گذاری چین در ده ها عرصه ، از جمله در بانکداری ، ارتباط راه دور ، بنادر ، راه آهن ، مراقبت های بهداشتی و فناوری ست " در این گزارش آمده است عمده سرمایه گذاری متقابل در زمینه بر نامه ریزی اقتصادی از جمله نفت و گاز ، صنایع الکترونیک ، حمل و نقل ، بنادر ، انرژی و خدمات می باشد. چین شریک عمده تجاری ایران است و تا پیش از اعمال تحریم های مجدد امریکا در سال ۲۰۱۸ یکی از بزرگ ترین خریداران نفت این کشور بود . ۱۶ انجام این قرار داد که گام مهم حضور چین در خاورمیانه به حساب می آید ، امپراتور را شدیداً برآشفته کرده است برای امپراتوری غرب به سرکردگی امریکا ، که نظامی متجاوز و بر اساس تروریسم دولتی استوار است ، وجود چین در منطقه غیر قابل تحمل و حضورش برای وی سمی مهلک به حساب می آید که او را شدیداً به تکاپو انداخته است . زیرا حضور دو دهه خونین امپراتور در خاورمیانه بزرگ ، با بر جا گذاشتن میلیون ها آواره ، صدها هزار کشته و بمباران چند کشور که به نمونه ای از نسل کشی های او که بر پایه چهار بار بمباران اتمی ست ، در ذیل اشاره می شود.

پوشیده نیست **آغاز جنگ سرد** مقارن با نابود ساختن دوشهر ژاپنی هیروشیما (با ۱۰۰۰۰۰ نفر) و ناکازاکی (۵۰۰۰۰ نفر)

بود " توجیه غیر منطقی بمباران اتمی به این بهانه که خشونتی ضروری برای پایان دادن به جنگ جهانی دوم بود . " ویلفرد بورشت در ادامه این گزارش تحلیلی می افزاید " امروز حتی روز نامه نول ابسرواٹر le nouvel

observateur که به محافل صنعتی وابسته است اعتراف می کند که چنین جنایتی علیه بشریت بیهوده بوده است و مفهوم واقعی آن را باید در **منافع امریکا جستجو کرد در خنثی ساختن اتحاد جماهیر شوروی و آغاز جنگ سرد** .

... در سال ۱۹۵۰ تعداد قربانیان بمباران اتمی در هیروشیما به دو برابر رسید و در ناکازاکی به سه برابر افزایش پیدا کرد . بمباران های درسدن در آلمان در ۱۳ و ۱۴ فوریه ۱۹۴۵ ۱۳۵۰۰۰ نفر و یا توکیو در ۱۰ مارس ۱۹۴۵ که زیر بمب آتش زای امریکائی به خاکستر تبدیل شد بین ۸۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ کشته بر جای گذاشت . هیچ کدام توجیه نظامی نداشت . در هیروشیما سی روز پس از انفجار اولین بمب که تمام شهر را به تل خاکستر بدل کرد ... افرادی که از آن جهنم آنی جان سالم به در برده بودند به شکل های دیگری به حال مرگ افتادند . مرگی اسرار آمیز ، دهشتناک و ناشناخته که هیچ اسمی نمی توان پیدا کرد مگر **مرگ طاعون اتمی** . بی هیچ دلیل روشنی مریض می شوند ، بی اشتباهی ، ریزش مو ، ظاهر شدن لکه های کبود روی اعضای بدن ، و سپس از ناحیه دهان و بینی و گوش ... خونریزی می کنند تشعشعات اتمی هنوز پس از پایان جنگ ، قربانی می گیرد . امروز حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر در ژاپن هنوز از تاثیرات تشعشعات اتمی رنج می برند . ۱۷ **پایان جنگ سرد (۱۹۹۱)** مصادف است با **آغاز جنگ اتمی جدید** علیه کشور های بی دفاع به سردامداری امریکا و متحدان نظامی اش جهت تثبیت حاکمیت خویش . نام این سلاح کثیف " اورانیوم رقیق شده " است که بسیار مسموم کننده می باشد . از نظر شیمیائی دو برابر دیگر فلزات است از زباله رادیو اکتیو که از اورانیوم غنی شده برای راکتور های نظامی و غیر نظامی به کار می برند ، گرفته شده ... برای اساس ، فعالیت اورانیوم رقیق شده چهار هزار برابر بیش تر از میزان قابل قبول اعلام شده در منشور حفاظت پرتو افکنی ست ... و مردمانی که در مجاورت این ماده زندگی می کنند به انواع و اقسام سرطان ، لوسمی [سرطان بافت خون ساز ، یعنی مغز استخوان و دستگاه لنفوی ست] ، تخریب سیستم تولید نسل یعنی از حق وراثت ژنتیک خود محروم شدن و به تولد هیولائی دچار می شوند . این سلاح پس از آزمایش در سال ۱۹۷۰ در امریکا به شکل واقعی در **جنگ عراق** به سال ۱۹۹۱ و سپس در سال ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ در **بوسنی** و در سال ۱۹۹۹ در **کوزوو** و در **صربستان (یوگسلاوی)** و **آفغانستان** آزمایش شد ۱۸ .

پس از اعلان رسمی پایان **جنگ خلیج فارس** ، ارتش امریکا در طول سه روز بیش از یک میلیون بمب اورانیوم **ضعیف شده به روی هزاران پناهنده و سربازان عراقی که در حال عقب نشینی روی جاده بصره بودند پرتاب کرد که** ناقض ماده ۳ قرار داد ژنو محسوب می شود . کارول پیکو از اعضای خدمات بهداشتی ارتش امریکا که خود امروز صد در صد معلول است . از فجیع بودن صحنه **اتوبان مرگ** گزارش می دهد و اجساد را بیاد می آورد که کاملاً سوخته و جز غاله شده بودند . . پرفسور A . D urakovic رئیس بخش پزشکی هسته ای و استاد دانشگاه در نیویورک ، مشاور پنتاگون طی گزارشی می آورد : " روشن است باد و باران این مواد را در اطراف و در فواصل مختلف تا صدها کیلومتر با خود حمل می کند . مخازن آب زیر زمینی ، آب ، گیاهان ، و حیوانات و به طور کلی طبیعت و تمام زنجیر تولیدی غذایی را مسموم می سازد . در عراق ۹۰۰۰۰۰ تن از گیاهان و یک سوم حیوانات آلوده شدند . بین کودکان کمتر از ۱۵ سال که مورد آزمایش قرار گرفته اند ، ۷۰ درصد آنان در مجاورت تشعشعات آلوده شدند . بیمارستان های عراقی که از بمباران جان سالم به در بردند ، توان عملیاتی ندارند . پیش از دوران جنگ ، عراق ، واعد مدرن ترین بیمارستان های منطقه بود و مجرب ترین پزشکان عراقی در آن جا فعالیت می کردند . بسیاری از این **پزشکان مانند متخصصان و روزنامه نگاران ، به شکل اسرار آمیزی به قتل رسیدند** . .. آلودگی محیط زیست برای اهالی منطقه در حال توسعه است برخی مناطق جنوبی عراق بر اساس ابتلا به سرطان ۷۰۰ در صد ، تولد کودکان معلول ۴۰۰ در صد و ابتلا به لوسمی ۳۵۰ در صد افزایش داشته است . هم چنین افزایش وضع حمل نا بهنگام توسط

زنان بار دار و تولد اطفال مونگولی ، صورتی فزاینده یافته است . وقتی یک زن عراقی زایمان می کند ، اولین سوال او این نیست که بچه اش دختر است یا پسر بلکه می پرسد آیا کودک من معمولی ست یا ... " این مصداق تنها به عراقی ها ختم نمی شود " از ۵۸۰۰۰۰ (پانصد هشتاد هزار) سرباز امریکائی که در جنگ خلیج فارس شرکت داشتند ۳۲۵۰۰۰ (سیصد و بیست و پنج هزار نفر) از آن ها دچار عوارض دائمی شده اند، و ۱۱۰۰۰ (یازده هزار نفر) کشته شده اند . ده سال پس از مداخله در جنگ خلیج ، نیمی از سربازان دچار عوارض دائمی شده اند . در حالی که در منازل قرن گذشته چنین عوارضی در حد ۵ در صد (دروینتام ۱۰ در صد) بوده است آژانس بین المللی انرژی اتمی پیش بینی می کند که تحت تاثیر یک میلیون گلوله اورانیوم در سال ۱۹۹۱ یعنی بین ۳۵۰ تا ۸۰۰ تن اورانیوم ، در چند سال آینده باید در افغانستان و بالکان شاهد نتایج مشابهی باشیم ... بر اساس تحقیقات جامعه رزمندگان قدیمی نشان می دهد که پس از جنگ خلیج ۶۷ در صد کودکان که به دنیا آمده اند ، نقص عضو داشته اند . دکتر محمد میراکی در باره "مرگ دائمی صادره از امریکا " از یک افغانی نقل قول می آورد : اگر ما را تنها یک بار می کشتند چندان اهمیتی نداشت ، ولی آن ها در حال نابود کردن ما برای چندین نسل آینده هستند .

مرکز تحقیقات پزشکی اورانیوم در حفرة هائی که در اثر انفجار به وجود آمده اند ، در رود خانه های اطراف و در بدن غیر نظامیان که زیر بمباران متفقین به رهبری امریکا در افغانستان بوده اند ، اورانیوم صنعتی پیدا کرده اند . غیر نظامیانی که مورد آزمایش قرار گرفته اند عوارض کلاسیک آلودگی درونی به اورانیوم را نشان داده اند . حضور اورانیوم صنعتی در نمونه برداری ها از محیط زیست و بیو لوژیک نشان داده است که مهمات بمب های سنگر کوب (بانکر باستر) که در افغانستان به کار برده شده است از اورانیوم ضعیف شده بوده است که موجب چندین نوع سرطان و تولد نوزادان هیولائی می شود . " دیگر آن که " پس از بمبارا افغانستان سازمان محیط زیست وابسته به سازمان ملل متحد جهت ارزیابی درجه اورانیوم ضعیف شده در مناطق بمباران شده از oms سازمان جهانی بهداشت در خواست بوده کردند ، پاسخی دریافت نکردند علت این تاخیر از این جهت بود که عوارض قربانیانی که قویا آلوده شده بودند بسیار زیاد بود . علاوه براین دو دهه جنگ ، مردم منطقه را از نظر بهداشتی در موقعیت شکننده ای قرار داده بود . دولت هائی که باعث و بانی چنین جنایاتی هستند پیوسته اثرات جرم کاربرد سلاح های کشتار جمعی و تاثیرات شان را در لفافه ای از سرب پنهان می کنند . " دانسته است " در افغانستان طوفان شن از تمام کشور عبور کرده و آلوده گی های پیایی را به رود خانه ها منتقل می کند . رود کابل و رود اندو از پاکستان عبور می کند و از ذخیره آب کشاورزی و آب آشامیدنی به شمار می آید . " تیم هسته ای - بیو لوژیک - شیمی "جهت اندازه گیری درجه آلودگی در افغانستان حضور پیدا کردند ولی گروه خبر نگاران را که تا پیش از ورود آن ها در کنار متفقین کار می کردند ، محبوس کردند ، در اکتبر سال ۲۰۰۱ پزشکان افغان مرگ سریع عده ای را اعلام کردند که درجه آلودگی آن ها زیاد بود . ۱۹ نکته قابل مکت آن که امریکا و متحدانش با داشتن چنین کارنامه خونین و ضد انسانی خود را پرچمدار " دموکراسی و حقوق بشر!!!! " نه در خاورمیانه بلکه در سطح جهان می دانند .

گفتنی ست " این سلاح (اورانیوم رقیق شده) دارای دو برتری نظامی ست نخست آن که این سلاح در هر جداری نفوذ کند آتش زاست . به راحتی در جداره زره پوش و تانک ها نفوذ کرده و آن را کاملاً به آتش می کشد . فزون براین در جدار پناهگاه های بتونی و بونکر های زیر زمینی به قطر چندین متر [نزدیک به سی متر ، منشه امیر رادیو اسرائیل] نفوذ می کند ... برتری دوم در این نکته نهفته است که ساخت آن به بهای بسیار نازل تمام می شود . در حال حاضر علاوه بر ایالات متحده امریکا چندین کشور دیگر در حال گسترش چنین سلاح هائی هستند از جمله اسرائیل ، ترکیه ، روسیه ، پاکستان ، فرانسه ، در فرانسه دو هزار آزمایش در فضای باز انجام گرفته است . ۲۰

در ادامه نهائی این سخن پس از ژاپن ، عراق و افغانستان ، لازم است در باره بمباران یوگسلاوی به این گزارش مهم توجه داده شود که " ۲۲ سال پیش ناتو تحت رهبری امریکا در یک اقدام وقیحانه و بدون تصویب سازمان ملل متحد به یوگسلاوی حمله کرد در این تهاجم ۱۵ تن اورانیوم ضعیف شده توسط ناتو استفاده شده است . " دانسته است " نابودی اورانیوم ۴/۵ چهار و نیم میلیارد سال طول می کشد ... پدیده غیر عادی ایجاد شده در پی استفاده از مواد رادیو اکتیو در وهله اول باعث ایجاد جهش های سلولی می گردند ، بر اساس یک مطالعه انجام شده توسط مرکز اورژانس صربستان ، در میان کودکانی که بعد از ۱۹۹۹ میلادی در کشور به دنیا آمدند ، ابتلا به تومور های اکتودرم ، بیرونی ترین لایه از لایه های زاینده نطفه در کودکان یک تا پنج سال ، بدخیمی های خون در کودکانی رده سنی ۵ الی ۹ سال و افزایش سریع تومور های مغزی بین افراد ۹ تا ۱۸ سال دیده می شود ... در سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ دهها هزار انسان در صربستان در اثر ابتلا به سرطان های بد خیم از بین رفتند ... در ماه مارس سال ۲۰۰۰ میلادی ، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در کوزوواتناید کردند که مجموعاً ۳۱ هزار بمب اورانیوم ضعیف شده در جریان بمباران یوگسلاوی توسط ناتو مورد استفاده قرار گرفته است که این میزان ، معادل حجم کلی بمب های اورانیوم ضعیف شده ای است که توسط امریکا و سایر کشورها در طول جنگ خلیج فارس علیه عراق استفاده شده است ... امریکا به عنوان تنها کشوری که بمب های اورانیوم ضعیف شده را اختراع و استفاده کرده ، همیشه این موضوع را که به کار گیری این بمب عامل مستقیم ایجاد سندروم های جنگ خلیج فارس و سندروم بالکان هستند را رد کرده است ۲۱

وزارت دفاع امریکا تمام قدرت خود را به کار انداخت تا از انتشار تحقیقات مرکز پژوهش های پزشکی اورانیوم جلوگیری کند ، و علاوه بر این با اردوی تبلیغاتی از طریق رسانه ها به تحریف گزارشات مرکز تحقیقات پزشکی اورانیوم پرداخت و آزمایشگاه های تحقیقات علمی را زیر نظارت خود در آورد تا نتایج را مردود اعلام کند و اعتبار علمی این مرکز پژوهشی و کادر علمی را زیر علامت سوال ببرد . ۲۲

بنا به شرح آمده چین و نیروهای ملی - دمکراتیک منطقه با چنین هیولائی خونریزی مواجه اند که نه به مردم خویش و نه به مردم دیگر سرزمین ها اعتنائی ندارد تنها منطق وی ، جهت انباشت ثروت : در نطفه سوزاندن هر مانع در مقابل منافع اوست که باید ریشه کن شوند . مذهب و مکتب نمی شناسد دارای هر نامی که باشند قابل توجیه ست . به قول ما مازندرانی ها "وقتی قرار باشد مرده ای را به چوب ببندند نگاه نمی کنند زن است یا مرد ، سید است یا رشنق rašnaq " غیر سید " ، یا به قول برادرها : خودی ست یا غیر خودی (چنان که قهرمان ملی - منطقه ای باورمند دیروز ، صرفاً به خاطر منافع امریکا در منطقه و بزک نمودن چهره ای انسانی از او ، توسط جانبداری ، از عرش به خاک سیاه کشانده می شود . آدمی که صدها هزار انسان های باورمند منطقه به خاطر قتل او توسط امریکا به میدان آمده بودند تا حد یک دست نشانده ، به زیر کشیده شد . در واقع طبل بزرگ زیر پای چپ ، نه ، زیر پای راست به صدا در آمد نهایت آن کهچنین نظامی خونریز (نئو لیبرالیسم) جهانی با داشتن ریشه ای عمیق در منطقه ای چنین ثروتمند ، تناور ، پر شاخ و برگ را می توان با انگشت تدبیر یعنی با درایت ، آگاهی یا شناخت دقیق از ماهیت امپراتور (دانستن نقاط ضعف و قوت) با همبستگی ملی - منطقه ای به زیر کشاند ؟ تجربه مبارزات خلق های جهان نشان می دهد ، بسیار دشوار و سخت است ، ولی شدنی ست .

۱. دویچه وله ۹۹/۱۲/۲ / و مصاحبه نیکلای پاترشف دبیر شورا امنیت روسیه ۱ مه ۲۰۲۱

۲. نقل سایت صدای فرانسه از لوموند ۲۳ بهمن ۱۳۹۹ و ژنرال کنت مک کنزی فرمانده نیروی های امریکائی در خاور میانه ۲۰۲۱/۲/۲۲ / سایت صدای امریکا به نقل از وزیر امور خارجه ئ آلمان هایکو ماس ۱۴ آذر ۱۳۹۹
۳. مجله هفته ، به نقل از گاردین ۱۸ / آوریل ۲۰۲۱
۴. طیار یزدان پناه لموکی ، اصلاحات ، انقلاب و آشتی ملی ، به بهانه چهلمین سال انقلاب افغانستان ، مجله هفته ۹۷/۸/۱۷
۵. اولگا شدروا ، امریکا تروریست اصلی جهان ؟ ۱۳۹۲/۱۰/۲۹ و طیار یزدان پناه لموکی ، خاورمیانه بزرگ ، جنبش های نوین اجتماعی ، ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷... ناشر : نشر اشاره ۱۳۹۷ ، ص ۱۳۱
۶. طیار یزدان پناه لموکی ، همان ماخذ ص ۱۶۴
۷. دویچه وله ، کنفرانس مونیخ ، ۹۹/۱۲/۲
۸. ۶ ژانویه ۲۰۲۰ / ۱۶ دی ماه ۱۳۹۹ بیانیه حزب تحول طلب امریکا
۹. سایت صدای مسکو ۱ مه ۲۰۲۱
۱۰. بی بی سی : دلیل خشم مردم امریکا از پولیس چیست ، ۳۱ فروردین ۱۴۰۰
۱۱. دویچه وله ۹۹/۱۲/۲
۱۲. بی بی سی ، ۲۶ آوریل ۲۰۲۰
۱۳. بی بی سی ، پشت پرده توافق ۲۵ ساله ایران ، ۱۱ فروردین ۱۴۰۰ – ۳۱ مارس ۲۰۲۱
۱۴. همان ماخذ
۱۵. یورو نیوز ، محتوی همکاری جامع ... ۱۴۰۰/۱/۱۲
۱۶. بی بی سی ، سند ۲۵ ساله ... ۷ فروردین ۱۴۰۰ – ۲۷/ مارس ۲۰۲۱
۱۷. ویلفرد بورشت ، هیرو شیمای بعد از انفجار اتمی ، دیلی اکسپرس ۵ سپتامبر ۱۹۴۵ ، مترجم : حمید محوی
برای سایت سیاسی – فرهنگی مشعل ۲۰۰۵/۹/۵
۱۸. همان ماخذ
۱۹. – همان ماخذ ، گزارش ژوئل پنوشه ، ترجمه حمید محوی براس سایت مشعل
۲۰. سایت صدای چین ۱۴۰۰/۱/۸
۲۱. ... سایت مشعل ۲۰۰۵/۹/۵